

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان
دوره دوم، شماره سی‌ام و سی‌ویکم
پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۳۵۴ - ۳۲۷

بررسی تحصیلات تکمیلی در نظام آموزش عالی ایران

- دوره‌های دکتری علوم انسانی - از منظر اعضای هیات علمی

این دوره‌ها، ۷۸-۱۳۷۷

دکتر حسن ملک *

این مقاله بر اساس گزارش نهایی طرح پژوهشی با عنوان « بررسی تحصیلات تکمیلی در نظام آموزش عالی ایران - دوره‌های دکتری علوم انسانی » که در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ در پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی انجام شد، تهیه و تدوین شده است. از ویژگی‌های این طرح پژوهشی بهره‌گیری از روش تحقیق پیمایشی و مصاحبه، با گروه زیادی از اعضای هیات علمی شاغل به تدریس در دوره‌های دکتری در رشته‌های مختلف علوم انسانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است، از این‌رو به منزله نوعی ارزیابی درونی از وضع کنونی دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم انسانی محسوب می‌شود. همچنین کوشش شده است تا حتی‌الامکان از منابع و تحقیقات اندک موجود در این زمینه بهره‌گیری شود.

*- عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده علوم اجتماعی

چکیده

در سالهای پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ گسترش دوره‌های تکمیلی به منظور کامل کردن چرخه آموزش عالی در کشور به یکی از بحث‌انگیزترین مسائل آموزش عالی کشور مبدل شد. این امر هم از لحاظ تأمین کادر آموزشی و پژوهشی دانشگاهها و مراکز پژوهشی - که از یک طرف با خروج خواسته و ناخواسته بخشی از هیأت علمی با تجربه خود و از طرف دیگر با رشد انفجاری جمعیت دانشجویی در مقاطع کارشناسی و پایین‌تر مواجه بودند - و هم به منظور تأمین نیروی متخصص سازمانهای حکومتی، صنعتی و کشاورزی، بسیار با اهمیت است. طی دو برنامه پنجساله اول و دوم که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد، اولویت ویژه‌ای به گسترش دوره‌های تکمیلی با توجه به دو هدف عمده کمی و کیفی داده شد. در این تحقیق از یک طرف با توجه به آمار و ارقام موجود، اهداف کمی گسترش آموزش عالی مورد سنجش واقع می‌شود و از طرف دیگر از طریق داده‌های کسب شده از مصاحبه با صد تن از اعضای هیأت علمی دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم انسانی، نحوه تحقق اهداف کیفی این برنامه‌ها نیز مورد بررسی و کندوکاو قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

رشد تحصیلات تکمیلی، اهداف کمی دوره‌های دکتری علوم انسانی، اهداف کیفی دوره‌های دکتری علوم انسانی، صلاحیت علمی استاد، شایسته‌سالاری در گزینش دانشجو، نظارت و ارزشیابی مستمر، تحقق‌پذیری سرفصل‌های مصوب، اعزام دانشجوی دکتری به خارج از کشور، حجم کاری استادان دوره دکتری، عدم تأمین فرصت مطالعاتی.

بیان مسأله

دایر کردن دوره‌های دکتری در کشور ما همواره یکی از اهداف نظام آموزش عالی بوده و به‌عنوان شاخصی علمی و تکمیل‌کننده چرخه تحصیلات در داخل کشور هدفی ملی محسوب شده است. این موضوع به‌طور مداوم از سوی مقامات رده بالای کشور و وزارتخانه‌های مربوط و مسئولان دانشگاهها مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و در

گردهمایی‌های رؤسای دانشگاهها و مراکز پژوهشی در قبل و بعد از انقلاب از طریق صدور بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها به کرات به آن اشاره شده است.^۱

در این بیانیه‌ها، خوشبینی فراوانی به نتایج حاصل از دایر کردن دوره‌های دکتری در داخل کشور ابراز می‌شد که رونق فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاهها و در جامعه، بومی‌شدن علوم و به‌ویژه علوم انسانی و تکمیل زنجیره تحصیلات عالی از پیامدهای آن دانسته می‌شد. بر این اساس در برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور با نگاهی نخبه‌گرایانه به مسأله آموزش، دایر کردن دوره‌های تکمیلی به‌ویژه دکتری به‌عنوان اولویت اصلی نظام آموزش عالی کشور اعلام و دو دسته اهداف کمی و کیفی برای آن در نظر گرفته شد.

عمده‌ترین اهداف کمی پیش‌بینی‌شده در برنامه اول و دوم توسعه عبارت بوده‌اند از: اصلاح هرم هیأت علمی به سود رتبه‌های بالاتر و اصلاح هرم دانشجویی به سود دوره‌های تکمیلی به‌ویژه دکتری (بی‌تردید این شاخصها از آثار کیفی نیز تهی نیستند). در یک ارزیابی اجمالی با توجه به آمار و ارقام موجود می‌توان نتیجه گرفت که آموزش عالی در تحقق اهداف کمی خود با مشکل مواجه شده است. داده‌های موجود در مجموع نشان‌دهنده عدم توفیق برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور در دستیابی به اهداف کمی پیش‌بینی شده برای دوره‌های دکتری تخصصی به‌ویژه در بخش دولتی آموزش عالی بوده است و این موضوعی بود که حتی قبل از اجرای این برنامه‌ها از طرف برخی صاحب‌نظران - پیش‌بینی شده بود.^۲ آمار موجود حاکی از آن است که در آغاز برنامه اول (۱۳۶۸) ۵۲ درصد هیأت علمی مربی بوده‌اند که این نسبت در سال ۱۳۷۸ (آخرین آمار موجود) تغییر چندانی را نشان نمی‌دهد (۵۱/۹) این امر به‌ویژه در مورد رشته‌های علوم انسانی گویای آن است که عدم توازن در هرم هیأت علمی افزایش یافته و نسبت دانشیار و استاد به سایر مرتبه‌ها کاهش یافته است (جدول ۱).

۱- بیست و سومین گردهمایی رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی، به نقل از تحلیل بر

گزارش‌های ۲۶ گردهمایی رؤسای دانشگاهها، ص ۱۰۹.

۲- بررسی وضعیت تربیت و تأمین هیأت علمی در برنامه دوم توسعه، پروین احمدی ۱۳۷۲، مؤسسه

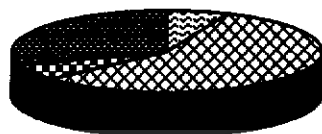
پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ص ۳، ۴، ۶.

جدول ۱ - مقایسه تعداد کادر آموزشی مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی به تفکیک عنوان دانشگاهی و جنس در سال‌های تحصیلی ۷۱ - ۱۳۷۰ تا ۷۸ - ۱۳۷۷^۱

عنوان	۱۳۷۰ - ۷۱		۱۳۷۱ - ۷۲		۱۳۷۲ - ۷۳		۱۳۷۳ - ۷۴		۱۳۷۴ - ۷۵		۱۳۷۵ - ۷۶		۱۳۷۶ - ۷۷		۱۳۷۷ - ۷۸	
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
دانشگاه‌های	۹	۲۹۷	۱۳	۴۰۷	۳۰	۴۹۳	۱۷	۴۷۹	۱۹	۵۳۴	۳۱	۶۰۵	۴۵	۶۸۹	۲۶	۷۶۱
استاد																
دانشیار	۳۵	۷۸۷	۳۸	۹۰۷	۴۷	۱۰۱۱	۴۸	۱۰۶۵	۴۳	۱۰۸۸	۶۶	۱۲۱۷	۶۰	۱۲۰۰	۷۶	۱۳۰۰
استادیار	۲۱۳	۲۲۰۲	۱۸۶	۳۰۶۹	۱۹۸	۴۴۶۳	۲۰۶	۳۴۸۲	۲۱۴	۳۷۷۱	۲۵۱	۴۰۸۱	۲۶۰	۴۵۵۶	۲۱۵	۴۹۳۳
مربی	۶۵۳	۵۱۶۹	۸۸۰	۶۵۵۵	۷۹۴	۷۳۳۵	۸۸۶	۷۳۲۲	۸۷۴	۷۶۲۱	۹۹۹	۸۰۴۲	۱۰۲۰	۳۰۵۶	۱۰۱۰	۸۰۵۰
مربی آموزشیار	۴۸	۴۷۱	۱۰۸	۵۱۱	۱۰۷	۳۱۳۴	۵۰	۵۳۳	۱۰۰	۵۷۸	۷۸	۴۳۳	۱۰۰	۵۶۶	۱۰۳	۵۹۲
سایر مدرسان	۵۰۱	۳۰۷۷	۷۳۳	۴۱۰۳	۴۴۷	۲۸۷۵	۷۷۵	۳۳۵۶	۶۱۲	۴۹۴۰	۳۹۴	۴۵۵۴	۵۷۷	۸۵۰۰	۸۸۰	۶۲۷۸
جمع کل	۱۴۵۹	۱۳۱۰۳	۱۹۵۸	۱۵۵۴۲	۱۶۲۳۳	۱۶۲۱۱	۲۰۳۷	۱۸۳۳۸	۱۸۶۷	۱۸۵۳۳	۱۹۱۹	۱۰۹۱۵	۲۰۶۶	۲۱۰۶۵	۳۴۱۰	۲۱۷۴۴

۱. مأخذ: آمار آموزش عالی ایران سال ۷۸ - ۱۳۷۷ - مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

ارزیابی میزان توفیق برنامه‌های اول و دوم توسعه در تغییر هرم دانشجویی نشان‌دهنده آن است که هر چند در پایان برنامه دوم از لحاظ رشد مطلق، تعداد دانشجویان دوره‌های تکمیلی افزایش داشته است، لیکن این افزایش به میزانی نبوده که بتواند تغییر اساسی در نسبت دانشجویان تکمیلی در مقایسه با مقاطع پایین‌تر فراهم آورد و معنای آن این است که بخش عمده توان هیأت علمی کماکان درگیر آموزش حجم عظیم دانشجو در مقطع کارشناسی است (نمودار ۱) (۶ / ص ۵).



دکترای حرفه‌ای	0.3%
کارشناسی ارشد	7.9%
دکترای تخصصی	0.9%
کارشناسی	4.2%
کارشناسی	86.7%

نمودار ۱ - درصد پذیرفته‌شدگان به تفکیک مقاطع تحصیلی ۷۸ - ۱۳۷۷

(وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی)

در خصوص اهداف کیفی اعلام شده یادآور می‌شویم در متن آیین‌نامه برگزاری دوره‌های دکتری، هدف از دایر کردن این دوره‌ها چنین عنوان شده است: « تربیت افرادی که با احاطه یافتن بر آثار علمی در زمینه‌ای خاص و آشنا شدن با روشهای پیشرفته تحقیق و دستیابی به جدیدترین مبانی آموزش و پژوهش، بتوانند با نوآوری در زمینه‌های خاص علمی و تخصصی در پیشرفت و گسترش مرزهای دانش در رشته تخصصی خود مؤثر باشند،» در این آیین‌نامه هدف عمده کیفی دوره دکتری «توانایی پژوهش و کسب تبحر در یک رشته خاص علمی» بیان شده است.

دیدگاههای متفاوتی در زمینه کیفیت در آموزش عالی، شاخص‌های اساسی آن و نحوه ارزیابی و حتی ویژگی و مشخصات ارزیابی‌کنندگان وجود دارد. شبکه بین‌المللی تضمین کیفیت در آموزش عالی تعاریف زیر را برای ارزیابی کیفیت آموزش عالی پیشنهاد کرده است:

الف: تطابق با استانداردهای از قبل تعیین شده.

ب: نیل به هدفهای تصریح‌شده (۴ / ص ۱۳۴).

بر اساس تعریف اول، سنجش کیفیت در آموزش عالی مستلزم آن است که داوری بر پایه مجموعه‌ای از معیارهای از قبل توافق‌شده، صورت گیرد. وقتی چنین معیارهایی وجود نداشته باشد سنجش کیفیت را باید با توجه به تعریف دوم انجام داد. در چنین مواردی اعضای هیأت علمی واحد (نظام) آموزش عالی خودشان داوری می‌کنند که آموزش، پژوهش و خدمات نظام مورد نظر تا چه اندازه با معیارهای مربوط به هدفهای بیان شده همخوانی دارد.

در این تحقیق با توجه به دشواری‌هایی که در تحقق اهداف کیفی دوره‌های دکتری وجود دارد، بر آن شدم تا از طریق گفت‌وگو با اعضای هیأت علمی دوره‌های دکتری و نیز بررسی مدارک و اسناد و گفت‌وگو با دانشجویان دوره دکتری به بررسی جنبه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی این دوره‌ها در رشته‌های علوم انسانی بپردازم. در این تحقیق تأکید بر شناخت اجمالی عوامل بازدارنده در مسیر ارتقای کیفی این دوره‌هاست با این امید که نتایج این تحقیق زمینه‌ای برای تحقیق‌های دقیق‌تر و جامع‌تر آینده شود.

ضرورت اجرای طرح

اهمیت تحصیلات تکمیلی در شکل دادن به سرنوشت علمی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورها بر کسی پوشیده نیست و وضعیت کمی و کیفی تحصیلات تکمیلی از مهمترین شاخص‌های توسعه علمی (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) در هر کشور است. پذیرش و آموزش دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دکتری از طریق مراکز آموزش عالی مستلزم وجود زمینه‌ها و امکانات اقتصادی و علمی لازم و نیروی انسانی کارآزموده (مدرسان و محققان) است، که تهیه و تدارک آن به دهها سال برنامه‌ریزی و حمایت همه نهادهای سیاسی و اجتماعی نیاز دارد. ضعف یا کمبود دوره‌های تحصیلات تکمیلی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، هم عامل و هم نتیجه توسعه نیافتگی این کشورهاست و در پدیده‌های زیانباری همچون فرار مغزها مؤثر بوده است. از این رو بررسی وضعیت آموزشی و پژوهشی این دوره‌ها به‌ویژه از دیدگاه کیفی، مقدمه هرگونه تحول و پیشرفت در آموزش عالی کشور است.

پرسشهای تحقیق

در این تحقیق کوشش شده است تا دیدگاه اعضای هیأت علمی شاغل به تدریس در دوره‌های دکتری در خصوص برخی شاخصهای کیفی این دوره‌ها در رشته‌های مختلف علوم انسانی در مراکز آموزش عالی دولتی شهر تهران مورد پرسش و بررسی قرار گیرد. بر این اساس پرسشهای زیر مطرح شده است:

الف: آیا نسبت دانشجوی به استاد به میزانی هست که امکان آموزش و پژوهش با کیفیت مطلوب را فراهم کند؟

ب: میزان دسترسی استادان به اطلاعات جدید در رشته تخصصی آنها پاسخگوی نیازهای موجود دوره‌های دکتری می‌باشد؟

ج: حجم کاری آنان در زمینه‌های مختلف امکان انجام وظایف آنان در هدایت دانشجویان دکتری را فراهم می‌سازد؟

د: آیا پایان‌نامه‌های تحصیلی دانشجویان ویژگیهای پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های آموزشی را دارند؟

ه: مهمترین عوامل بازدارنده در تحقق اهداف کیفی دوره‌های دکتری چیست؟

فرضیه‌های تحقیق

۱- بین حجم کاری (ساعات تدریس در مقطع و مراکز مختلف و...) اعضای هیأت علمی و عدم تحقق اهداف کیفی ارتباط وجود دارد.

۲- عدم دسترسی به منابع و مآخذ جدید مهمترین عامل بازدارنده در تحقق اهداف کیفی است.

۳- وضعیت انتخاب و اجرای پایان‌نامه‌ها از عوامل عدم تحقق اهداف کیفی است.

اهداف کیفی دوره‌های دکتری

اهداف کیفی: «تربیت افرادی که با احاطه یافتن بر آثار علمی در یک زمینه خاص و آشنا شدن با روشهای پیشرفته تحقیق و دستیابی به جدیدترین مبانی آموزش و پژوهش بتوانند با نوآوری در زمینه‌های خاص علمی و تخصصی در پیشرفت و گسترش مرزهای دانش در رشته تخصصی خود مؤثر باشند».

روش گردآوری اطلاعات

با توجه به اهداف تحقیق در این کار پژوهشی از روشهای پیمایشی، استنادی و مصاحبه موردی استفاده شده است. ابزار سنجش، پرسشنامه‌ای با ۳۶ سؤال باز و بسته بوده است. روایی محتوایی پرسشنامه طرح به کمک دوازده نفر از اعضای هیأت علمی با رتبه‌های دانشجویی و استادی که سابقه تدریس در دوره‌های دکتری در رشته‌های مختلف به‌ویژه علوم انسانی را دارند، بررسی و ارزیابی شد و با حذف پرسشهای فاقد روایی و پایایی مورد تأیید قرار گرفت. در این زمینه همچنین از روش مطالعه استنادی نیز بهره‌گیری شد. همکاران طرح با مراجعه به تمامی مراکز آموزشی و پژوهشی دولتی شهر تهران که در آنجا دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم انسانی دایر است، اقدام به تکمیل پرسشنامه طرح کردند.

جامعه آماری

اعضای هیأت علمی شاغل به تدریس در دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم انسانی در دانشگاهها و مراکز پژوهشی دولتی شهر تهران، شامل دانشگاههای تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، شهید بهشتی، تربیت معلم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

با توجه به نبود آمار دقیقی از اعضای هیأت علمی شاغل به تدریس و پژوهش در دوره‌های دکتری، کوشش شد تا با مراجعه به تمامی مراکز آموزشی و پژوهشی (دولتی) که در شهر تهران در رشته‌های مختلف علوم انسانی اقدام به پذیرش دانشجوی در دوره‌های دکتری کرده‌اند. با تمامی اعضای هیأت علمی شاغل به تدریس و تحقیق در دوره‌های دکتری مصاحبه به عمل آید.

اعضای هیأت علمی شرکت‌کننده در مصاحبه به ترتیب فراوانی در دانشگاههای تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شهید بهشتی، تربیت معلم، وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری به تدریس اشتغال داشته‌اند. نکته قابل ذکر اینکه برخی از پاسخگویان همزمان در چند دانشگاه در مقطع

دکتری تدریس می‌کرده‌اند. در مجموع شاید بتوان گفت نمونه آماری تقریباً با جامعه آماری برابر است.

رشته تحصیلی پاسخگویان به ترتیب فراوانی عبارت است از: تاریخ، زبان‌شناسی، فرهنگ و زبانهای باستانی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، مدیریت، علوم حوزوی، ادبیات عرب و معارف اسلامی، جغرافیا، زبان و ادبیات فارسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، زبانهای خارجی، حقوق و علوم سیاسی. در این تحقیق در مجموع با بیش از صد تن از اعضای هیأت علمی دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم انسانی مصاحبه به عمل آمد که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص ۹۷ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ویژگیهای فردی و شغلی اعضای هیأت علمی دوره دکتری

الف - جنس: اکثر پاسخگویان مرد (۸۹ نفر) و بقیه زن (۸ نفر) می‌باشند. که نشان‌دهنده حضور اندک زنان در هیأت علمی این مقطع است.

ب - میزان تحصیلات و کشور محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی: اکثر قریب به اتفاق پاسخگویان دارای مدرک دکتری (۹۳/۸) و ۵/۲ درصد آنان دارای مدارک حوزوی هستند. حدود نیمی از نمونه آماری مدرک تحصیلی خود را از ایران دریافت کرده‌اند (۴۴/۳). در میان کشورهای خارجی محل دریافت آخرین مدرک تحصیلی پاسخگویان، امریکا بیشترین تعداد را داشته است. پس از امریکا به ترتیب فرانسه و انگلیس جای گرفته‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد که با توجه به اعطای بورس تحصیلی داخل به متقاضیان استخدام در دانشگاه، روندی در جهت کاهش هیأت علمی تحصیل کرده در خارج از کشور شکل گرفته است. اینکه ادامه این روند می‌تواند موجب کاهش سطح کیفی این دوره‌ها شود یا نه فرضیه‌ای درخور بررسی است.

ج: مرتبه علمی: اگر مرتبه علمی را یکی از شاخصهای تجربه و سوابق پژوهشی و آموزشی پاسخگو بدانیم، مشاهده می‌شود که مرتبه علمی دو سوم پاسخگویان، استادیاری و دانشیاری است. این امر هم می‌تواند به تازه بودن دوره‌های دکتری در کشور و هم رشد سریع این دوره‌ها مربوط باشد. اما در هر حال نشان‌دهنده حضور ناکافی اعضای هیأت علمی با سابقه در عرصه دکتری است. ضمن اینکه اگر تجربه کاری را در کیفیت پژوهشی و آموزشی اعضای هیأت علمی مؤثر بدانیم، وضع موجود می‌تواند به‌عنوان شاخص کیفیت پژوهشی و آموزشی دوره‌های دکتری مدنظر قرار

بگیرد. بررسی پاسخها گویای آن است که فقط اندکی بیش از یک سوم (۳۷/۱ درصد) از اعضای هیأت علمی شاغل به تدریس در دوره‌های دکتری علوم انسانی در این مصاحبه دارای مرتبه استادی، یک سوم دارای مرتبه دانشجویی و یک سوم باقیمانده دارای مرتبه استادیاری بوده‌اند (۲۹/۹). به بیان دیگر تعداد زیادی از آنان در زمره دارندگان بالاترین رتبه‌های دانشگاهی نبوده‌اند (جدول ۲). در این زمینه اتخاذ سیاستهایی که انگیزه فعالیت در دانشگاهها را برای هیأت علمی جوان‌تر فراهم کند، ضروری است.

جدول ۲- توزیع تعداد و درصد پاسخگویان بر حسب مرتبه علمی آنها

شرح	تعداد	درصد
استاد	۳۶	۳۷/۱
دانشیار	۳۲	۳۳
استادیار	۲۹	۲۹/۹
جمع	۹۷	۱۰۰

سوابق تدریس

بررسی سوابق تدریس پاسخگویان نشان می‌دهد که بسیاری از آنان سابقه تدریس زیادی در دوره‌های دکتری ندارند. حدود نیمی از آنان کمتر از ۵ سال و حدود دو سوم آنان کمتر از ۱۰ سال سابقه تدریس در دوره‌های دکتری را دارند.

حجم کاری در هفته (ساعات تدریس)

در این تحقیق از میان فعالیتهای گوناگونی که می‌تواند وقت اعضای هیأت علمی شاغل به تدریس را به خود اختصاص دهد مانند: تدریس در مقاطع مختلف، تحقیق و تألیف، فعالیتهای مشاوره‌ای، پاسخگویی به پرسشهای دانشجویان در خارج از کلاس و نیز مطالعه و طی دوره‌های تخصصی و... فقط ساعات تدریس آنان در هفته و نیز تعداد رساله‌های دکتری تحت هدایت آنان، مورد بررسی قرار گرفت. بررسی پاسخهای داده شده نیز نشان می‌دهد مقدار زیادی از ساعات کار مفید اعضای هیأت علمی صرف تدریس در دوره‌های غیر دکتری می‌شود که این امر در کاهش تمرکز و توان هیأت علمی در دوره دکتری و در نهایت کاهش کیفیت این دوره‌ها مؤثر است.

بررسی انجام شده در این تحقیق نشان‌دهنده آن است که فقط ۴۰ درصد اعضای هیأت علمی شاغل به تدریس در دوره‌های دکتری در مقطع کارشناسی تدریس ندارند. ۶۰ درصد باقیمانده علاوه بر تدریس در دوره‌های دکتری، بین ۲ تا ۱۵ ساعت در مقطع کارشناسی نیز تدریس دارند. بررسی چگونگی فعالیت آموزشی آنان در مقطع کارشناسی ارشد نشان می‌دهد که اکثریت آنان (۹۲/۸ درصد) علاوه بر دوره دکتری در این مقطع نیز تدریس می‌کنند. میانگین تدریس پاسخگویان در مقطع کارشناسی ۳/۵ ساعت، کارشناسی ارشد ۵/۵ ساعت و دکتری ۳ ساعت بوده است.

به نظر می‌رسد اجرای طرح سپردن تدریس دوره‌های کارشناسی به دانشجویان دوره دکتری، محدود کردن پذیرش دانشجو در دوره‌های کارشناسی و به‌ویژه افزایش حق‌التدریس استادان در محدود کردن فعالیت آنها به دوره‌های دکتری مؤثر باشد. قابل ذکر است که هنگام انجام این تحقیق ۱۵ درصد پاسخگویان در دوره دکتری تدریس نداشته‌اند و فقط در زمینه پایان‌نامه دانشجویان دانشگاه‌های مورد بررسی همکاری داشته‌اند. بررسی ساعات کار تدریس پاسخگویان در دوره‌های دکتری نشان می‌دهد که آنان بین ۲ تا ۸ ساعت در هفته تدریس در مقطع دکتری داشته‌اند که بیشترین آنان (حدود یک سوم) دارای ۲ ساعت تدریس در هفته در این مقطع بوده‌اند. در مجموع اعضای هیأت علمی مورد مصاحبه از ۶ تا ۲۰ ساعت تدریس در مقاطع مختلف داشته‌اند.. (جدول ۳).

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب مجموع ساعات تدریس

در هفته در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری

درصد	تعداد	شرح
۹/۳	۹	۵ ساعت و کمتر
۴۲/۳	۴۱	۶ تا ۱۰ ساعت
۲۸/۹	۲۸	۱۱ تا ۱۵ ساعت
۱۵/۵	۱۵	۱۶ تا ۲۰ ساعت
۴/۱	۴	بیشتر از ۲۰ ساعت
۱۰۰/۰	۹۷	جمع

نظارت بر پایان‌نامه‌ها

با توجه به حجم تدریس پاسخگویان که در مقاطع مختلف تحصیلی از سوی آنان انجام می‌شود، بعید به نظر می‌رسد فرصت مناسب و لازم برای رسیدگی به پایان‌نامه‌های دانشجویان که مسؤلیت اصلی دانشجوی و استاد در دوره‌های تکمیلی به‌ویژه دکتری است، باقی بماند. بررسی پاسخهای داده شده نشان می‌دهد که اعضای هیأت علمی شرکت‌کننده در مصاحبه فقط در دانشگاه محل کارشان در مقطع کارشناسی ارشد راهنمایی ۲ تا ۸ پایان‌نامه را به‌عهده داشته‌اند که بالاترین درصد آنان (۴/۴۵) راهنمایی ۲ و ۳ پایان‌نامه و فقط ۱۱/۳ درصد پاسخگویان راهنمایی یک پایان‌نامه را به‌عهده داشته‌اند. بقیه پاسخگویان هدایت بین ۴ تا ۸ پایان‌نامه کارشناسی ارشد را برعهده داشته‌اند. می‌توان احتمال داد که برخی از پاسخگویان در دانشگاه آزاد اسلامی و مراکز آموزشی وزارتخانه‌های مختلف نیز هدایت تعدادی پایان‌نامه را در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری برعهده داشته باشند. میانگین هدایت پایان‌نامه‌ها برای دوره‌های کارشناسی ارشد ۳ و برای دکتری ۱/۱ می‌باشد. بررسی انجام شده نشان می‌دهد که حدود یک چهارم اعضای هیأت علمی راهنمایی هیچ رساله‌ای را برعهده نداشته‌اند و بقیه آنان هدایت ۱ تا ۴ رساله را در دوره دکتری برعهده داشته‌اند. شاید بتوان گفت توزیع پایان‌نامه‌های دانشجویی بین اعضای هیأت علمی با صلاحیت لاقبل از لحاظ کمی به نحو متوازن صورت نگرفته است و به چند استاد محدود می‌شود که این خود می‌تواند مانع از هدایت مطلوب دانشجویان شود. در این خصوص یکی از اعضای هیأت علمی پاسخگو شکوه می‌کند که در مواردی احساس می‌شود که هدایت پایان‌نامه‌ها به وسیله‌ای برای دریافت حق راهنمایی و مشاوره سهل‌الوصول تبدیل شده است. به بیان دیگر یکی از مهمترین شاخص‌های کیفی دوره دکتری یعنی وضعیت پایان‌نامه‌ها به دلیل اشتغال استادان و توزیع نامناسب وضعیت مطلوبی ندارد. (جدول ۴)

جدول ۴ - توزیع تعداد و درصد رساله‌های دکتری راهبردی شده توسط پاسخگویان بر حسب سالهای تدریس آنان در دوره دکتری

تدریس در دوره دکتری به سال	۹ تا ۱۰		۱۰ تا ۱۸		۲۰ سال و بیشتر		تدریس نداشتند		اظهار نشده		جمع
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
تعداد پایان‌نامه	۱۷	۷۳/۹	۴	۱۷/۴	۲	۸/۷	—	—	—	—	۲۲
یک رساله	۱۷	۷۳/۹	۴	۱۷/۴	۲	۸/۷	—	—	—	—	۲۲
دو رساله	۹	۴۲/۹	۷	۳۳/۳	۴	۱۹	—	—	—	—	۲۱
سه رساله	۵	۲۸/۵	۵	۲۸/۵	۳	۱۳/۱	—	—	—	—	۱۳
چهار رساله	—	—	۲	۹/۱	—	—	—	—	—	—	۲
پایان‌نامه ندارد	۱۸	۷۲	۴	۱۶/۰	۳	۱۲	—	—	—	—	۲۵
اظهار نشده	۱۱	۸۴/۶	—	—	—	—	—	—	—	—	۱۳
جمع	۶۰	۶۱/۹	۲۲	۲۲/۷	۱۲	۱۲/۴	۲	۲/۱	۱	۱/۰	۹۷
		۱۰۰		۱۰۰		۱۰۰		۱۰۰		۱۰۰	

توجه به نیازهای کشور در پایان‌نامه‌های دکتری

با توجه به حجم کاری اعضای هیأت علمی، مشکلات آنان در دسترسی به منابع و مآخذ جدید، مشکلات مختلف دانشجویان، نبود ارتباط لازم میان جامعه و دانشگاه به‌ویژه در علوم انسانی، اتمام پایان‌نامه‌های دکتری با کیفیت علمی لازم به گونه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای پژوهشی کشور باشد بسیار دشوار به نظر می‌رسد. با توجه به مصوبات دوره‌های دکتری در خصوص جهت‌گیری پایان‌نامه به سمت نیازهای کشور و به تبع آن بهره‌مند شدن از امکانات مالی و پشتیبانی سازمانهای اجرایی و تخصصی، در یکی از پرسشها در خصوص موضوع پایان‌نامه‌ها از آنان سؤال شد که آیا در تصویب پایان‌نامه‌های دکتری نیازهای پژوهشی کشور مورد توجه قرار می‌گیرد. بررسی پاسخهای داده شده حاکی از آن است که کمتر از نیمی از پاسخگویان (۴۶٪ درصد) اظهار داشته‌اند که در تصویب پایان‌نامه‌ها نیازهای پژوهشی کشور مد نظر قرار می‌گیرد و بقیه بر این باور بوده‌اند که موضوع پایان‌نامه‌ها بر نیاز پژوهشی کشور انطباق لازم را ندارند.

دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص پایان‌نامه دکتری

پایان‌نامه دکتری تبلور توانایی علمی دانشجو و حتی کارایی استادان راهنما محسوب می‌شود و به تصریح آیین‌نامه‌ها، پایان‌نامه دوره دکتری باید به گونه‌ای تدوین شود که مبین مشارکت دانشجو در پیشرفت دانش بشری باشد. از این رو در بخشی از این تحقیق مسأله پایان‌نامه دانشجویان و مشکلات مربوط به آنان از دیدگاه اعضای هیأت علمی مورد بررسی قرار گرفت. در یکی از پرسشها با توجه به تفکیک دوره دکتری به دو مرحله آموزشی و پژوهشی و اینکه آیا دانشجو پس از موفقیت در دوره آموزشی و انجام امتحان جامع توانایی علمی لازم برای گذراندن پایان‌نامه خود را دارد، از پاسخگویان پرسش به عمل آمد که آیا طی مرحله آموزشی در آمادگی دانشجو برای نگارش پایان‌نامه به اندازه کافی مؤثر بوده است. بررسی پاسخها نشان می‌دهد دو سوم آنان گذراندن این دوره‌ها را کافی و مؤثر می‌دانند و یک سوم بقیه طی مرحله آموزشی را در ایجاد آمادگی برای گذراندن پایان‌نامه کافی نمی‌دانند. برخی از پاسخگویان معتقدند که دوره‌های دکتری در حال حاضر این ضعف را دارد که بیشتر آموزش محور است تا پژوهش محور. این موضوع در تحقیقی که با عنوان ارزشیابی برنامه درسی دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم تربیتی انجام شده نیز مورد تأیید قرار گرفته است

(۱۸ / ج ۲، ص ۲۹۷-۲۸۱). اقدام اخير وزارت علوم و تحقيقات و فناوري در غير الزامي اعلام کردن امتحان جامع و امکان ثبت پايان نامه در مرحله آموزشی در ظاهر کوششی بوده برای حل بن بست مردودی بسياری از دانشجویان دکتری در آزمون جامع و نیز دادن وقت بیشتر به دانشجو و استاد برای کار بر روی پايان نامه.

تأخير در اتمام پايان نامه

به نوشته دایرةالمعارف آموزش عالی مدت زمان لازم برای طی دوره های دکتری در رشته های علوم انسانی به مراتب بیشتر از سایر حوزه های علمی است (۱۴ / ج ۱، ص ۹۶۷). بررسی های مقدماتی حاکی از آن است که به دلایل مختلفی که بعضی از آنها به دانشجو و برخی به استادان راهنما، برخی به امکانات موجود و بالاخره برخی به بوروکراسی حاکم مربوط می شود. گاه دانشجو موفق نمی شود پايان نامه خود را در موعد مقرر به اتمام برساند. پاسخ های داده شده به این پرسش که آیا دانشجویان در موعد مقرر پايان نامه خود را ارائه می دهند، گویای آن است که کمتر از یک سوم اعضای هیأت علمی دوره های دکتری اظهار داشته اند که دانشجویان آنان پايان نامه خود را در موعد مقرر به اتمام رسانده اند و دو سوم بقیه بر عدم تکمیل به موقع پايان نامه ها تأکید داشته اند (جدول ۵).

جدول ۵- توزیع تعداد و درصد اظهارات پاسخگویان در خصوص تحویل یا

عدم تحویل به موقع پايان نامه دکتری

شرح	تعداد	درصد
بلی	۳۱	۳۲
خیر	۴۸	۴۹/۵
تقریباً	۸	۸/۲
هنوز دانشجویان رشته ما به مرحله تدوین رساله نرسیده اند	۶	۶/۲
مدرس در نیمسال جاری پايان نامه ندارد	۱	۱/۰
اظهار نشده	۳	۳/۱
جمع	۹۷	۱۰۰

بررسی علل تأخیر در اتمام پایان‌نامه‌ها از دیدگاه اعضای هیأت علمی نشان‌دهنده آن است که بالاترین درصد آنان شاغل بودن دانشجویان را علت اصلی تأخیر ذکر کرده‌اند. همچنین در دسترس نبودن منابع و اطلاعات علمی لازم، نبود زمان کافی، کمبود هیأت علمی تمام‌وقت، نداشتن برنامه‌ریزی صحیح و مشکلات اداری دانشگاهها از دیگر عللی است که پاسخگویان ذکر کرده‌اند. در این خصوص شاید لازم باشد در مورد دلایل تأخیر در اتمام پایان‌نامه دوره دکتری که هزینه زیادی برای دانشگاهها، دانشجویان و نیز استادان دارد، تحقیق مستقلی انجام شود. به‌ویژه این فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گیرد که آیا ضعف علمی دانشجو و عدم آشنایی لازم با روشهای تحقیق - که خود ناشی از کاستی در برنامه‌ریزی درسی دوره‌های دکتری است - دلیل تأخیر در پایان‌نامه‌های دکتری است و یا اشکال در گزینش دانشجوی دوره دکتری است و یا عواملی مانند نبود امکانات و منابع، نامناسب بودن موضوع پایان‌نامه در این تأخیر سهم دارند. چنانکه گفته شد امکان تصویب پایان‌نامه در مرحله آموزشی و قبل از موفقیت در امتحان جامع اقدامی بوده است برای دادن فرصت کار و مطالعه بیشتر به دانشجو و استاد در خصوص پایان‌نامه.

فرصت مطالعاتی

فرصت مطالعاتی از جمله امکاناتی است که در ارتقای سطح علمی و به‌روز نگاه‌داشتن دانسته‌های اعضای هیأت علمی و افزایش نشاط و تحرک علمی آنان نقش اساسی دارد. با این حال بررسی انجام شده نشان‌دهنده آن است که اکثر اعضای هیأت علمی از دسترسی مطلوب به فرصتهای مطالعاتی بی‌بهره بوده‌اند. بررسی انجام شده نشان می‌دهد که ۷۴/۲ درصد از اعضای هیأت علمی دوره‌های دکتری در این تحقیق طی پانزده سال گذشته مطلقاً از فرصت مطالعاتی استفاده نکرده‌اند. این در حالی است که اغلب آنان استفاده از فرصت‌های مطالعاتی برای اعضای هیأت علمی دوره دکتری را در پیشرفت تحصیلی، پژوهشی دانشجویان دوره دکتری ضروری دانسته‌اند. برخی از آنان معتقد بودند که فرصت مطالعاتی باید هر سال در اختیار استادان قرار گیرد. یادآوری این نکته ضروری است که بوروکراسی حاکم بر روند درخواست فرصت مطالعاتی برای بسیاری از پاسخگویان آزاردهنده است. یکی از استادان در این

خصوصاً از ۹ ماه مکاتبه و پر کردن فرمهای مختلف برای استفاده از فرصت مطالعاتی شکوه کرده است (جدول ۶). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود پاسخگویان از فرصت مطالعاتی که می‌تواند از طریق ارتقای تجربیات و کارایی علمی آنان موجب ارتقای سطح علمی و تقویت کیفیت دوره‌های دکتری شود به میزان زیادی محروم‌اند.

جدول ۶ - توزیع تعداد و درصد اظهارات پاسخگویان بر حسب دفعات استفاده از فرصتهای مطالعاتی در خارج از کشور

شرح	تعداد	درصد
یک‌بار	۲۱	۲۱/۶
دو‌بار	۲	۲/۱
سه بار	۲	۲/۱
نداشتم	۷۲	۷۴/۲
جمع	۹۷	۱۰۰/۰

دیدگاه پاسخگویان در خصوص توان علمی دانشجویان و دانش‌آموختگان دوره دکتری

در بخشی از تحقیق، مسائل مختلف مربوط به دانشجویان پذیرفته شده در دوره دکتری در رشته‌های تخصصی آنان مورد بررسی قرار گرفت. در این زمینه شاخص‌هایی مانند نحوه گزینش و حد نصاب مطلوب تعداد دانشجو، لزوم اعزام دانشجو به خارج بررسی شد. دو سوم از پاسخگویان به این پرسش که آیا گزینش دانشجوی دکتری در رشته تحصیلی آنان با توجه به صلاحیت علمی دانشجو صورت گرفته است، نظر موافق خود را اظهار داشته‌اند و بقیه معتقد بوده‌اند که عواملی جز صلاحیت علمی دانشجو در ورود او به دوره‌های دکتری نقش داشته است.

با این حال در پاسخ به این پرسش که آیا دانش‌آموختگان دوره دکتری از صلاحیت کافی برای تدریس و تحقیق، ابداع و نوآوری در رشته تخصصی خود برخوردار می‌شوند، کمتر از نیمی از پاسخگویان معتقد بوده‌اند که آنان از صلاحیت

تدریس و تحقیق و ابداع و نوآوری در زمینه‌های علمی و تخصصی و گسترش مرزهای دانش برخوردارند. در این زمینه برخی از پاسخگویان با پذیرش دانشجویان سهمیه‌ای به هر عنوان مخالف بوده و خواستار رعایت کامل اصل شایسته‌سالاری در پذیرش دانشجویان دکتری بوده‌اند. بسیاری از پاسخگویان نیز عدم تسلط دانشجویان این مقطع به زبانهای معتبر خارجی را یکی از ضعفهای آنان ذکر کرده‌اند. برخی از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که بسیاری از دانشجویان نه برای تسلط بر پژوهش و آموزش بلکه صرفاً با انگیزه کسب موقعیت شغلی برتر در نظام اداری کشور به دوره دکتری روی آورده‌اند، ضمن اینکه بسیاری از دانشجویان به نحوی با سنت منسوخ حفظ کردن دروس برای بازگو کردن آن هنگام امتحان عادت کرده‌اند که توانایی کارهای پژوهشی را ندارند و همه این نقایص موجب ضعف علمی دانشجویان شده است.

لزوم اعزام دانشجو به خارج

اعزام دانشجو به خارج در طول تاریخ آموزش عالی کشور عمده‌ترین راه تأمین نیروی انسانی متخصص و نیز عضو هیأت علمی بوده است، لیکن در سالهای پس از انقلاب با افزایش دوره‌های دکتری در رشته‌های مختلف کوشش شد تا اعزام دانشجو به خارج در این مقطع محدود شود (به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی). در این مورد علاوه بر دلایلی که در مورد دیگر رشته‌ها عنوان می‌شد، این مسأله نیز مطرح بوده که علوم انسانی با سایر علوم متفاوت است و نباید متأثر از ارزشهای بیگانه باشد). با این حال بررسی پاسخهای داده شده به این پرسش که آیا در رشته تخصصی شما در مقطع دکتری، با توجه به دایر بودن این دوره‌ها در کشور همچنان نیاز به اعزام دانشجو به خارج وجود دارد، نشان می‌دهد که دو سوم آنان اظهار داشته‌اند که این نیاز همچنان وجود دارد و این باور نزد اعضای هیأت علمی که مدرک تحصیلی خود را از کشورهای خارج دریافت کرده‌اند، بیشتر است. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه بیشتر اعضای هیأت علمی پاسخگو کیفیت آموزشی این دوره‌ها در داخل کشور در سطحی نیست که ضرورت اعزام دانشجو به خارج از کشور را رفع کرده باشد. پاسخ داده شده به این سؤال با سایر داده‌های تحقیق در مورد کیفیت آموزشی دوره‌های دکتری در داخل کشور همخوانی دارد.

قابل ذکر است یک حضور ۶ تا ۹ ماهه در خارج از کشور در برنامه درسی برای دانشجویان دوره دکتری پیش‌بینی شده است که عملاً کمتر به مورد اجرا گذاشته می‌شود (جدول ۷).

جدول ۷ - توزیع تعداد و درصد اظهارات پاسخگویان در خصوص ضرورت اعزام دانشجویان دکتری به خارج از کشور بر حسب محل اخذ مدرک تحصیلی پاسخگو

کشور محل اخذ آخرین مدرک لزوم اعزام دانشجو به خارج	ایران		سایر کشورها		اظهار نشده		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بلی	۲۰	۳۲/۳	۴۲	۶۷/۷	—	—	۶۲	۱۰۰
					—	—	۶۳/۹	
خیر	۲۳	۶۲/۹	۱۲	۳۴/۳	۱	۲/۹	۳۵	۱۰۰
							۳۶/۱	
جمع	۴۲	۴۳/۳	۵۴	۵۵/۷	۱	۱/۰	۹۷	۱۰۰
							۱۰۰	

دوره‌های دکتری و رونق فعالیت‌های پژوهشی

دوره‌های تکمیلی و به‌ویژه دکتری در بسیاری از کشورها در انجام فعالیت‌های پژوهشی نقش فعالی دارد. انرژی جوانی و خلاقیت ذهنی دانشجو همراه با تجربه گرانقدر استادان، با ارزش‌ترین سرمایه برای رونق فعالیت‌های پژوهشی است. بررسی پاسخهای داده شده به این پرسش که آیا ایجاد دوره‌های دکتری توانسته است موجب رونق و ارتقای کیفیت کارهای آموزشی و پژوهشی در دروس تخصصی شما شود، نشان می‌دهد که بیش از دو سوم پاسخگویان بر این باورند که ایجاد این دوره‌ها موجب رونق فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی شده است. و یک سوم بقیه اعتقادی به این امر نداشته‌اند.

نظارت و ارزیابی دوره‌های دکتری

ارزیابی نقش مهمی در تضمین کیفیت بازی می‌کند. ارزیابی اطمینان می‌دهد که تا چه اندازه عملکرد نظام آموزش عالی مطابق برنامه‌ریزی‌های انجام شده، بوده است. از جمله مسائل مهمی که در حوزه کاری مدیریت علمی دوره‌های تکمیلی قرار می‌گیرد مسأله نظارت و ارزیابی این دوره‌هاست. طبق آیین‌نامه‌های موجود، ستاد تحصیلات تکمیلی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در پیشنهاد روشهای نظارت و ارزیابی دوره‌های دکتری نقش دارد. قابل ذکر است که بر اساس آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۷۱، اعضای ستاد تحصیلات تکمیلی را وزیر، معاونان آموزشی و دانشجویی و اداری - مالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۶ تا ۹ نفر اعضای هیأت علمی - که با انتخاب و حکم وزیر انتخاب می‌شوند - تشکیل می‌دهند. با توجه به اهمیت نظارت و ارزیابی ارتقای کیفیت علمی دوره‌های دکتری و سهم آن در شناسایی کاستی‌های موجود، از پاسخگویان در خصوص مسأله نظارت و ارزیابی پرسش به عمل آمد. بررسی پاسخها گویای آن است که تعداد زیادی از پاسخگویان به این پرسش که آیا ارزیابی و نظارت مستمر و نظام‌مند از کیفیت علمی و آموزشی دوره‌های دکتری در رشته تخصصی شما به عمل می‌آید، پاسخ منفی داده‌اند و این در حالی است که برخی از پاسخگویان با توجه به گسترش دوره‌های دکتری و نقایص موجود در آن، انجام و سازماندهی نظارت و ارزیابی را کاملاً ضروری عنوان کرده‌اند (جدول ۸).

جدول ۸ - توزیع تعداد و درصد اظهارات پاسخگویان در خصوص انجام

ارزشیابی مستمر از کیفیت علمی - آموزشی دوره‌های دکتری

شرح	تعداد	درصد
بلی	۲۰	۲۰/۶
خیر	۶۶	۶۸
تا حدودی	۶	۶/۲
هنوز معلوم نیست	۱	۱/۰
اظهار نشده	۴	۴/۱
جمع	۹۷	۱۰۰

در هر حال با توجه به نقایص و کاستی‌های موجود در دوره‌های دکتری علوم انسانی انجام مستمر نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاهها با شاخص‌های کیفی و با هدف برطرف کردن نقایص ضروری است. باید گفت نه تنها دوره‌های دکتری که دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز وضع مطلوبی از لحاظ ارزیابی کیفی و حتی کمی ندارند و در هر دانشگاهی که چنین ارزیابی و نظارتی صورت گرفته، نتایج معمولاً بایگانی شده و کمتر مورد استفاده علمی قرار می‌گیرد (۱ / ص ۳۴۵ - ۳۳۱).

برنامه‌ریزی درسی: سرفصلهای مصوب

غیر تخصصی بودن و جنبه آموزشی داشتن درس، نامشخص بودن مرزبندی موضوعات درسی، موجه بودن امتحان جامع و سرانجام امکان‌پذیر بودن ارائه سرفصلها توسط استاد از جمله پرسش‌هایی است که در سطح دوره دکتری مطرح می‌باشد که در این تحقیق مسأله تحقیق‌پذیر بودن ارائه سرفصلها در یک نیمسال تحصیلی مورد پرسش قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که یکی از مسائل بحث‌برانگیز دوره‌های دکتری، برنامه‌ریزی درسی این دوره‌هاست. به طوری که بیش از نیمی از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که رعایت سرفصلهای مصوب درسی آنها در عمل تحقیق‌پذیر بوده است و یک سوم آنها بر تحقق‌ناپذیری این سرفصلها در عمل تأکید داشته‌اند. برخی از پاسخگویان نیز معتقدند که بهتر است برنامه درسی دوره‌های دکتری انعطاف‌پذیرتر باشد و درسها جنبه تخصصی‌تری داشته باشد. یک تحقیق منتشر شده در خصوص ارزشیابی برنامه درسی دوره‌های دکتری علوم تربیتی نشان‌دهنده آن است که در برنامه‌ریزی درسی این دوره‌ها مواردی همچون ضعف جدی جهتگیری پژوهشی، کم‌توجهی به رغبتها و تفاوت‌های فردی دانشجو، کم‌توجهی به تربیت تخصصی و تأکید بر حفظ مطالب در آزمون جامع از نقاط ضعف برنامه‌ریزی درسی این دوره‌ها در رشته علوم تربیتی عنوان شده است. تردیدی نیست که مسأله برنامه‌ریزی درسی دوره‌های دکتری باید به‌عنوان موضوعی مستقل مورد تحقیق قرار گیرد. با این حال انتظار می‌رود با توجه به مصوبه جدید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که مسؤلیت برنامه‌ریزی درسی و آموزشی را به دانشگاهها محول کرده است، با بهره‌گیری از تجربیات استادان اقدامات لازم برای اصلاح و تقویت برنامه‌ریزی درسی این دوره‌ها انجام شود.

دیدگاه پاسخگویان در خصوص مشکلات، تنگناها و راه حل‌ها

برای ارتقای سطح علمی دوره‌های دکتری

با توجه به کاستی‌ها و مشکلاتی که در دوره‌های دکتری علوم انسانی وجود دارد، خواسته شد پاسخگویان ارزیابی خود را از روند موجود در دوره‌های دکتری بیان کنند. بدین معنی که آیا از دیدگاه آنان در حال حاضر روند اصلاح و بهبود در برگزاری این دوره‌ها مشاهده می‌شود؟ پاسخهای داده شده نشان‌دهنده آن است که از دیدگاه حدود ۴۰ درصد اعضای هیأت علمی شاغل به تدریس در دوره دکتری، امر اصلاح و بهبود در برگزاری دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم انسانی از روند مطلوبی برخوردار بوده است. در حالی که به همین نسبت از پاسخگویان به نبود روند اصطلاح و بهبود در برگزاری دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم انسانی باور داشته‌اند.

برای آشنایی بیشتر با دیدگاههای پاسخگویان در رابطه با عوامل مؤثر در ایجاد تنگنا در روند بهبود این دوره‌ها از آنان در خصوص مهمترین مشکلات موجود بر سر راه ارتقای سطح علمی و کیفی دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم انسانی پرسش به عمل آمد. در این زمینه از پاسخگویان خواسته شد، سه مورد از مهمترین مشکلاتی را که در حال حاضر بر سر راه ارتقای سطح علمی دوره‌های دکتری در رشته تخصصی آنها وجود دارد، نام ببرند. جمع‌بندی پاسخهای داده شده تا حدود زیادی با فرضیه‌های تحقیق همخوانی داشت بدین معنا که بیشترین پاسخگویان مشکل عمده را نارسایی شبکه اطلاع‌رسانی و عدم دسترسی مطلوب آنان به منابع و مآخذ تازه دانسته‌اند که مانع از بهنگام شدن دانسته‌های اعضای هیأت علمی می‌شود. در مرتبه بعدی مشکلات مالی دانشجو، کمبود استادان با صلاحیت علمی لازم، کمبود امکانات، نداشتن ارتباط با مراکز علمی داخلی و خارجی، ضعف علمی دانشجویان، نداشتن انگیزه کافی دانشجو، مسائل مربوط به مدیریت و نیز بی‌توجهی مسئولان کشور نسبت به علم و دانش و پژوهش به‌عنوان مشکل عمده دوره‌های دکتری ذکر شده است. در یک جمع‌بندی کلی شاید بتوان گفت بیشتر پاسخگویان مهمترین مشکل موجود بر سر راه ارتقای سطح علمی دوره‌های دکتری در رشته تخصصی خود را نبود امکانات لازم برای مطالعه و تحقیق و ارتباط علمی با مؤسسات معتبر علمی و نبود فرصتهای مطالعاتی خارج از کشور عنوان کرده‌اند. این امر هم برای اعضای هیأت علمی و هم دانشجویان صدق می‌کند و علت اصلی آن نیز تنگناهای مالی عنوان شده است (جدول ۹ و ۱۰).

جدول ۹- توزیع تعداد و درصد اظهارات پاسخگویان در خصوص مهمترین مشکلات موجود بر سر راه ارتقای سطح علمی دوره‌های دکتری

درصد	تعداد	شرح
۱۰/۱	۲۳	کمبود امکانات
۱۸/۵	۴۲	نارسایی شبکه‌های اطلاع‌رسانی
۱۳/۷	۳۱	مشکلات مالی دانشجو
۷/۵	۱۷	دانشجو انگیزه کافی ندارد
۸/۴	۱۹	ضعف علمی دانشجو
۸/۸	۲۰	مشکلات مالی استادان
۱۱/۵	۲۶	استادان صلاحیت علمی لازم را ندارند
۹/۷	۲۲	عدم ارتباط با مراکز علمی داخلی و خارجی
۰/۹	۲	مسائل مربوط به ارائه پایان‌نامه‌های دانشجویی
۴/۴	۱۰	مسائل و مشکلات مربوط به مدیریت
۲/۲	۵	بی‌توجهی نسبت به علم، دانش و پژوهش
۴/۴	۱۰	اظهار نشده - بی‌ربط
۱۰۰	۲۲۷	جمع

جدول ۱۰ - دیدگاه‌های پاسخگویان در خصوص وجود همکاری مستمر و نظام‌مند با مراکز آموزشی و پژوهشی معتبر خارجی

درصد	تعداد	شرح
۷/۲	۷	بلی
۸۷/۶	۸۵	خیر
۳/۱	۳	تا حدودی
۲/۱	۲	اظهار نشده
۱۰۰	۹۷	جمع

با توجه به پرسش بالا که در آن دیدگاه‌های پاسخگویان در مورد مهمترین مشکلات موجود بر سر راه ارتقای کیفی دوره‌های دکتری مورد پرسش قرار گرفت از آنان خواسته شد تا راه‌حل‌های پیشنهادی خود را برای برطرف کردن مشکلات یادشده بیان کنند. جمع‌بندی پاسخهای داده شده به این پرسش که به نظر شما مهمترین اقداماتی که برای ارتقای کیفیت علمی دوره دکتری در رشته تخصصی شما باید صورت گیرد چیست، نشان می‌دهد که بالاترین درصد آنان انجام اقداماتی به منظور بالا بردن کارایی اعضای هیأت علمی، رفع کمبود استادان با صلاحیت، بهنگام کردن آگاهی استادان، اختصاص فرصتهای مطالعاتی به آنان را دارای اولویت دانسته‌اند و در مرتبه بعدی انجام اقداماتی به منظور رفع نارساییهای شبکه‌های اطلاع‌رسانی و فراهم نمودن امکانات کتابخانه‌ای، برقراری ارتباط مستمر با دانشگاههای معتبر جهانی و مراکز تحقیقاتی ایران، رفع کمبود امکانات تحقیق، کمبود فضای آموزشی کافی و کمبود وسایل فنی، انجام اقداماتی برای رفع ضعف علمی دانشجویان و برقراری ضوابط صحیح و دقیق برای گزینش دانشجو، رفع مشکلات مالی دانشجو و تمام‌وقت کردن آنان، مستقل بودن دانشگاهها و عدم دخالت مسائل جناحی و سیاسی در امور دانشگاه، برقراری مدیریت صحیح و آگاهانه، رسیدگی به وضع مالی استادان و نیز تشویق آنان، ایجاد انگیزه در دانشجویان و مقابله با روحیه مدرک‌گرایی در بین آنان، از جمله اقداماتی بوده که به اعتقاد پاسخگویان باید برای ارتقای سطح علمی دوره‌های دکتری مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، بیشترین کوشش نهادهای مسؤول از دیدگاه پاسخگویان باید صرف ایجاد موقعیتهای مناسب آموزشی و پژوهشی برای اعضای هیأت علمی این دوره‌ها شود، که این مشروط به توجه اساسی به مشکلات مالی و رفاهی دانشگاههاست.

آرزیابی نتایج تحقیق با نگاهی به پرسشها و فرضیه‌های تحقیق

الف: علی‌رغم آنکه در این تحقیق تأکید بیشتر بر شناخت وضعیت موجود بود و نه بر حوزه تحلیل و چرایی، جمع‌بندی اجمالی از نتایج این تحقیق پیمایشی با توجه به پرسشها و فرضیه‌های تحقیق حاکی از آن است که اعضای هیأت علمی شرکت‌کننده در مصاحبه در تحقق اهداف کیفی با عوامل بازدارنده‌ای روبه‌رو بوده‌اند که این عوامل با

توجه به شاخص‌هایی مانند شرایط کاری اعضای هیأت علمی (با مؤلفه‌هایی از قبیل ساعات تدریس، تعداد پایان‌نامه، امکانات آموزشی، فرصت مطالعاتی ...) صلاحیت علمی دانشجویان ورودی، وضعیت پایان‌نامه‌ها (آمادگی دانشجو برای نگارش پایان‌نامه، مطابقت موضوع پایان‌نامه با نیازهای کشور، اتمام پایان‌نامه در موعد مقرر و...) سوابق و تجربه آموزشی و پژوهشی استادان، برنامه‌ریزی درسی دوره دکتری (سرفصلهای مصوب دروس و نحوه دخالت استادان در سرفصلهای مصوب)، ضرورت اعزام دانشجو به خارج در رشته‌های دایر در کشور، ارتباط با مراکز علمی معتبر خارجی و نظایر آن بررسی شد.

بررسی داده‌های حاصله با توجه به پرسشها و فرضیه‌های تحقیق نشان‌دهنده آن است که این داده‌ها در مجموع تقویت‌کننده فرضیه ۲ یعنی اهمیت و سهم زیاد متغیر ارتباطات و اطلاعات علمی استادان است.

متغیر نبودن ارتباطات علمی (عدم دسترسی مطلوب استادان به منابع و مآخذ جدید) در پرسشهای ۱۲، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و سؤال ۹ (بخش مشخصات) مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی به نوعی تأییدکننده فرضیه شماره ۲ تحقیق است که گویای عدم دسترسی اعضای هیأت علمی به منابع و مآخذ جدید است (که مؤلفه‌های آن بهره‌مندی ناچیز از فرصت مطالعاتی، تماس اندک با مراکز تحقیقاتی خارجی، نبود امکانات لازم در به‌هنگام کردن یافته‌های علمی در رشته تخصصی آنها می‌باشد). قبول این فرضیه به معنای نادیده گرفتن تأثیر سایر عوامل و متغیرها نیست. عواملی مانند حجم کاری نامناسب اعضای هیأت علمی، کمبود استادان با سابقه و مجرب، کمبود امکانات فیزیکی و نظایر آنها. همچنین میان بسیاری دیگر از یافته‌های تحقیق در خصوص کاستی‌های دوره‌های دکتری، همخوانی مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال تعداد زیادی از پاسخگویان تأکید داشتند که اعزام دانشجو برای تحصیلات دکتری به خارج از کشور الزامی است که این نظر خود تأیید تلویحی بر فاصله کیفی میان این دوره‌ها در خارج و داخل است. ضمن اینکه یک سوم از پاسخگویان بر این باور بوده‌اند که در گزینش استادان دوره دکتری صلاحیت علمی آنان مد نظر قرار نگرفته است. در نهایت با توجه به کاستی‌هایی که در حوزه آموزشی و پژوهشی دوره دکتری وجود داشت این اواخر دست‌اندرکاران در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییراتی را در ضوابط

موجود پیشنهاد و اعلام کرده‌اند که قضاوت دقیق در مورد آنها قاعدتاً مستلزم اجرای آنهاست از جمله این تغییرات لغو امتحان جامع و موقوف کردن برگزاری آن به تمایل دانشگاهها، واگذار کردن برنامه‌ریزی درسی به دانشگاهها، امکان ثبت پایان‌نامه در مرحله آموزشی دوره دکتری، افزایش نقش استادان در گزینش دانشجوی دکتری و تأکید بر استادمحوری است.

منابع

- ۱- ابیلی، خدایار. «ارزشیابی ماهیت نظارت و ارزیابی جاری در آموزش عالی کشور» به نقل از مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزشی عالی در ایران، جلد ۲، به کوشش دکتر محسن خلیجی و محمدمهدی فرقانی.
- ۲- احمدی، پروین. بررسی وضعیت تربیت و تأمین هیأت علمی در برنامه دوم توسعه، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۲.
- ۳- احمدی، پروین. خلاصه مصوبات گردهمایی‌های رؤسای دانشگاهها، بررسی وضعیت تربیت و تأمین هیأت علمی در برنامه دوم توسعه، چکیده، ۱۳۷۳.
- ۴- بازرگان، عباس. «آغازی بر ارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران»، ترجمه داوود قاسمی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ویژه‌نامه شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۷۷.
- ۵- پورهادی خمami، فریده. تحلیلی بر دیدگاههای رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در خصوص مسائل و مشکلات مبتلا به آموزش عالی کشور، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، سلسله گزارشهای پژوهشی، ۱۳۷۲.
- ۶- توکل، محمد. «وضعیت آموزش عالی در ایران - واقعیتها و چالش‌ها»، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴، سال ششم، ۱۳۷۷.
- ۷- خلاصه گزارش عملکرد برنامه بخش آموزش عالی و تحقیقات طی سالهای ۶۸، ۶۹ و ۷۰.
- ۸- داوری اردکانی، احمد. پروین احمدی. جایگاه قانونی آموزش عالی دولتی در جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، گروه طرح و برنامه، ۱۳۷۳.

- ۹- سیاری، علی اکبر. حسن طائی. *تراز نیروی انسانی متخصص مورد نیاز در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تحلیلی بر بازار کار کشور*، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۳.
- ۱۰- شعبانی، جعفر. *تحلیلی از گزارشهای ۲۶ گردهمایی رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی*، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۳.
- ۱۱- طالقانی، محمود. *بررسی علل خروج نیروهای متخصص از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی تهران*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، گروه علوم اجتماعی، مرکز پژوهشهای اجتماعی نخست‌وزیری، ۱۳۶۴.
- ۱۲- غیائی، مینو. نسرین نورشاهی. *تحصیلات تکمیلی در برنامه دوم توسعه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی (۱۳۷۳-۷۷)* وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۳.
- ۱۳- گروه پژوهشهای آماری و انفورماتیک، *آمار آموزش عالی ایران*، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۷.
- ۱۴- گروه مؤلفان. *دایرةالمعارف آموزش عالی*، جلد ۱ و ۲، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۶.
- ۱۵- گلپایگانی، بهروز. *مجموعه قوانین آموزش عالی*، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۲.
- ۱۶- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، «گزارش عملکرد چهارساله وزارت فرهنگ و آموزش عالی»، ۱۳۷۲.
- ۱۷- مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، گروه علوم اجتماعی، *بررسی وضعیت علمی دانشگاهها پس از بازگشایی*، گزارش دوم: *وضعیت علمی اعضای هیأت علمی، معاونت فرهنگی اجتماعی نخست‌وزیری*، مرکز پژوهشهای اجتماعی، ۱۳۶۷.
- ۱۸- موسی‌پور، نعمت‌الله بختیار شعبانی. «ارزشیابی برنامه درسی دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم تربیتی». *مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی ایران*، جلد ۲، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۹- یمینی‌دوزی سرخابی، محمد. *تحلیل عملکرد آموزش عالی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی*، معاونت فرهنگی، ۱۳۷۰.

- 20 – Allen Rj. (1982). New facts, assumptions, and approaches in American graduate education. In: Jacobs F, Allen RJ (eds) *Expanding the Missions of Graduate and professional Education. New Directions for Experiential Learning*, Vol15. Jossey Bass, San Francisco, California: pp. 63 – 72.
- 21 – Ben-David. (1985). Research Role of universities and graduate education. In: Husem T, Postlethwaite TN (eds) *The International Ency. Of Education*, vol. 9. Pergamon Press, Oxford: pp. 5380 – 87.
- 22 – Conrad C.F.Eagan D. (1990). Master's degree programs in American higher education In: Smart *Higher Education: Handbook of Theory and Research* vol. 6 .Agathon Press. New York: pp.170 – 260 .
- 23 – Fulton RD. (1984). Diversity in The Humanities: Blending The old and The new. In: Pelc zar.M.J.Solman L.C(eds) *Keeping Graduate programs Responsive to National Needs*. San Francisco.California, pp. 46 – 56 .
- 24 – Hatala Rj. (1982). A Problem solving model of graduate education in: Jacobs F.Allen RJ (eds) *Expanding the Missions of Graduate and Professional education New Direction for experiential learning*. Vol. 15 Joss ey Bass. SanFrancisco California. pp.99 – 106 .
- 25 – Maehi W.H.(1982). The graduate tradition and experiential learning. In: Jacobs F, Allen R.J (eds) *Expanding the Missions of Graduate and Professional education New Direction for experiential learning*. Vol. 15Joss - ey - Bass. *SanFrancisco California*. pp.31 – 44 .
- 26 – Pelczar M J Jr, Frances C. (1984). Graduate education: Past Performance and future direction. In: Pelczar M J,Sol-mon L C (eds) *Keeping Graduate Programs Responsive to National needs*. New Directions for Higher Education, Vol46. Jossey Bass, San Francisco, Cali- Fornia, pp.3 – 10.
- 27 – Solmon L. C. (1984). A theory of innovation in graduate education. In : Pelczar M J,Sol-mon L. C (eds) *Keeping Graduate Programs Responsive to National needs. New Directions for Higher Education*, Vol.46 .Jossey Bass, San Francisco, Cali- Fornia, pp. 21 – 30 .